

زندگی



گفت‌وگو با نویسنده صفحه اینستاگرامی «روزم‌گی‌های یک آبدارچی»

ناخود آگاه روی فالوورهایم تاثیر گذاشتم



ندا افخمی روزنامه‌نگار

خیلی از کسانی که در شبکه‌های مجازی فعال هستند، بیشتر از خوشی‌های زندگی می‌گویند اما شاید زرق و برق عکس‌ها در نگاه اول جاذبه داشته باشد و فالوورها را به سمت خود جلب کند اما به مرور دلزدگی می‌آورد و این الکی خوش بودن‌ها رنگ می‌بازد. اما در این آشنفته‌بازار، عده‌ای هم مانند کاظم عقلمند پیدا می‌شوند که با همین ساده حرف زدن می‌توانند فالوورهای زیادی در اینستاگرام پیدا کنند و اسم و رسمی برای خودشان راه بیندازند. او جوان ۳۴ ساله‌ای است که آبدارچی ساده یک شرکت است اما به دور از همه حواشی فضای مجازی به روزمرگی‌های خود می‌پردازد و همین هم عامل موفقیت و محبوبیتش شده است. متولد تهران و ساکن عبدالآباد تهران و اصالتا اهل سراب است. عقلمند مدت‌ها وبلاگ نویس بود و معمولاً مطالب طنز می‌نوشت. بعد از مدتی به دلیل خرابی وبلاگش، به فیس بوک عزیمت کرد. همان نوشته‌های طنز را در فیس بوک هم ادامه داد اما آن زمان زیاد شناخته شده نبود. او طنز را دوست دارد و معتقد است برای حضور در فضای مجازی، با ورود به طنز موفقیت بیشتری می‌توان کسب کرد. اسرار معروف شدنش از حدود پنج سال پیش و از همان فیس بوک زده شد. یک روز، یک پست چند خطی در یک صفحه گروهی نوشته شد با این عنوان که: «شغلم آبدارچی است. وظیفه‌ام نظافت و چای دادن است ولی یکی از خوشی‌هایم که هیچ وقت به آن نرسیدم این است که دوست دارم وقتی داخل آشپزخانه نشسته‌ام، یک نفر برآید چای بریزد». نظرات این صفحه گروهی باید با عبارت «تشکر می‌کنم از... شروع می‌شد، در غیر این صورت آدمین گروه آن را پاک می‌کرد اما این جمله متفاوت نه تنها منجر به حذف آن پست نشد بلکه واکنش‌های زیادی را در پی داشت. این پست، رکورددار شد و در همان صفحه هفت هزار لایک خورد و پنج هزار بار به اشتراک گذاشته شد و در مجموع چند صد هزار لایک خورد. این کامنت در ظاهر یک متن ساده و معمولی بود اما سر و صدای زیادی به پا کرد تا حدی که دو روز بعد، از بی‌بی سی برای مصاحبه با او تماس گرفتند اما نپذیرفت و همین خراساز شدن باعث محبوبیت او در رسانه‌ها شد. تا دو سال در فیس بوک فعالیت مداوم داشت و هربار پست‌هایش را با عبارت «روزم‌گی‌های یک آبدارچی» آغاز می‌کرد و از کارهای روزمره خودش می‌نوشت. به مرور طرفدارانش زیاد شد و سپس گروهی با همان عنوان راه‌اندازی کرد و هفته‌ای چند پستش را در آن قرار می‌داد و هفت هزار دنبال‌کننده یا فالوور داشت. بعد از مدتی، فیس بوک را رها کرد و از سال ۹۴ به اینستاگرام پیوست. با توجه به اطلاع‌رسانی قبلی، طی یک هفته اول سه هزار فالوور داشت. عقلمند می‌گوید: «چون از آن دست آدم‌هایی نیستم که معروفیت اذیتم کند، مانند بازیگران و فوتبالیست‌ها، معروف بودن را دوست دارم. خیلی شده مرا در خیابان نشان داده‌اند و با من عکس یادگاری گرفته‌اند، به‌ویژه وقتی با خانواده مسرام می‌بینند؛ اما آنقدر نبوده که سبب اذیتم شود». او سال ۹۶ ازدواج کرد و حالا یک دوقلو حدودا یک سال و نیمه به نام‌های سبحان و ماهان دارد. او ادامه می‌دهد: «همسرم اوایل ازدواج‌مان از این کار



خوش نمی‌آمد و حتی اقوام هم از این کار راضی نبودند و حتی روزهای اول من را مسخره می‌کردند. اما با وجود اینکه عرف‌رادر فضای مجازی رعایت می‌کردم، حالا همسرم یکی از مشوقان من شده و حتی خودش هم صفحه‌ای در اینستاگرام باز کرده و فالوورهای زیادی دارد. عقلمند آدم پرحاشیه‌ای نیست و از این وضع راضی است، طوری که می‌گوید: «به جرأت می‌توانم بگویم از هزار یا دوهزار کامنتی که برایم می‌گذارند شاید یک یا دو کامنت منفی باشد». به اعتقاد خودش، ناخواسته صفحه‌اش شبیه کتاب شده است به طوری که فالوورهایش مانند صفحه‌های یک کتاب که منتظر خواندن صفحه بعدی باشند، منتظرند تا پست بعدی را بخوانند و این قضیه در کامنت‌هایی که می‌گذارند، مشهود است. او درباره واکنش‌هایی که در کامنت‌ها می‌گیرد، می‌گوید: «خدا را شکر بیشتر کامنت‌هایی که فالوورها می‌گذارند مثبت است؛ یک عده می‌گویند چه خانواده خوبی داری. دیگری برایم دعا می‌کنند. در طول روز فقط دو سه دایرکت

دارم که گوشی‌شان را در مشهد به سمت حرم امام رضا یا مکه یا کربلا گرفته‌اند، عکس گرفته‌اند و برایم فرستاده‌اند که به یاد بوده و برایم دعا کرده‌اند. یا حتی در جام جهانی، داخل استادیوم عکسم را داخل گوشی گرفته و برایم فرستاده بودند. حتی مسیحیان در کلیسا عکس من را در گوشی گرفته و آنجا برایم دعا کرده‌اند. اینها برایم خیلی باارزشند. او با توجه به حجم طرفدارانی که دارد، سعی می‌کند هفته‌ای ۹ تا ۱۰ پست بگذارد، به طوری که وقتی ۲۴ ساعت پستی نمی‌گذارد، دایرکت‌های زیادی می‌آید و ابرازنگرانی می‌کنند. عقلمند ترجیح می‌دهد بی‌حاشیه باشد و به چیزی که به او ارتباطی ندارد، سرک نکشد. به همین دلیل بیشتر پست‌هایش پیرامون خانواده و کارش می‌گذرد اما گهگاهی که اتفاقی رخ دهد، درباره مسائل اجتماعی هم می‌نویسد، مانند حادثه پلاسکویا به عنوان مثال، در کپشن‌ها درباره گرانی پوشک هم می‌نویسد اما سعی کرده وارد حاشیه نشود. در نوجوانی درس خواندن را دوست داشت و تنها تا سیکل تحصیل

عقلمند می‌گوید چون روابط عمومی بالایی دارم اگر روزی فروشنده شوم، فروشنده موفق خواهم بود. با همه اینها، انتظار بالایی ندارم و به همان اندازه که تلاش می‌کنم، از خدا روزی می‌خواهم



کرد اما بعد از ۱۷ سال، به‌طور شبانه درسش را ادامه داد و دیپلم گرفت و حالا دانشجوی ترم اول رشته روابط عمومی دانشکده خبر است. او درباره علت ادامه تحصیل می‌گوید: «احساس کردم فالوورهایم شاید ناخواسته من را الگوی خودشان قرار داده‌اند. از زمانی که در صفحه‌ام اعلام کردم تحصیلاتم را ادامه می‌دهم، دایرکت‌های متعددی داشتم مبنی بر اینکه به خاطر من ادامه تحصیل داده‌اند. یا حتی زمانی که برای اهدای عضو ثبت‌نام کردم، عده‌ای عکس کارت اهدای عضویشان را برایم می‌فرستادند که با الگوبرداری از من این کار را انجام دادند و بودند متوجه شدم ناخواسته صفحه‌ام تاثیرگذار بوده است.»

از جایگاهم راضی نیستم
از او درباره مدت‌زمانی می‌پرسم که به عنوان آبدارچی مشغول به کار است و در جواب می‌گوید: «متأسفانه ۱۰ سال، دلیلش ارا که جویا می‌شوم در جواب می‌گوید: «درست است که الان آدم معرفی هستم اما دوست دارم در کارم پیشرفت کنم و تغییر شغل‌ام‌ها هنوز نتوانسته‌ام و این برای خودم منفی است. شاید بقیه معتقد باشند معروف شده‌ام اما نظر من این نیست و ترجیح می‌دهم به رده‌های بالاتر بروم و آنجا بهترین باشم.» او ابتدا ۸ سال در یک خیاطی کار می‌کرد و بعد از آن مدت‌ها به دنبال کار بود اما با توجه به اینکه تحصیلات بالایی نداشت، نتوانست کار مناسبی پیدا کند و با شرایطی هم که داشت، نمی‌توانست انتظار بهتری هم داشته باشد تا اینکه بعد از مدت‌ها آبدارچی یک شرکت شد که حالا بعد از گذشت سال‌ها، با ورود به دانشگاه و کسب مدارج بالاتر قصد دارد جایگاه بهتری برای خود ایجاد کند.

او می‌گوید: «به این دلیل در این سال‌ها اینجا ماندگار شده‌ام، چون کسی به من نگفت چه کار کنم. من وظیفه‌ام را به عنوان یک آبدارچی می‌دانم اما از اینکه به من بگویند چه کار کنم، متعجبم و به من برمی‌خورد.» او از کودکی عاشق حیوانات بود و دوست داشت دامدار یا دامپزشک شود. اما حالا معتقد است چون روابط عمومی بالایی دارد اگر روزی فروشنده شود، فروشنده موفق می‌شود. با همه اینها، انتظار بالایی ندارد و به همان اندازه که تلاش می‌کند، از خدا روزی می‌خواهد. خودش می‌گوید: «از زمانی که پنج، شش سالم بود فروشنده‌گی کرده‌ام. به هر حال دهه شصتی بودم و مانند خیلی از هم‌سن و سال‌های خودم سر کوزه فروشنده‌گی می‌کردم؛ از باقالی گرفته تا تخم‌مرغ شانس‌ی و شال و روسری فروخته‌ام.»

بین چایی‌ها تا جایی وارد اینترنت می‌شوم
زمان‌هایی را که در شرکت بیکار و فارغ از کار است، به خواندن روزنامه و مجله یا گشت‌زدن در اینترنت می‌گذراند و پست‌های اینستاگرامی‌اش را هم در لابلای کارهایش می‌نویسد. او پس از سال‌ها دیگر قلق پست گذاشتن و مدیریت صفحه‌اش را خوب یاد گرفته است. عقلمند می‌گوید: «آنقدر پست گذاشته‌ام که کپشن‌نویسی‌ام راه افتاده و در کمتر از دو دقیقه کپشن پیستم را می‌نویسم، پس زمان زیادی از من نمی‌گیرد. در واقع، در فاصله‌هایی که بین کارهایم ایجاد می‌شود و به عبارتی بین زمان چایی تا چایی که باید برای کارمندان شرکت ببرم، از فضای مجازی و اینترنت استفاده می‌کنم.»

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی **دفتر مدیرمسئول:** ۶۱۳۳۸۰۱۶
تحریریه: ۰۲-۶۶۷۶۰۱۸۰ **فکس:** ۶۶۷۶۰۴۷-۶۶۷۶۰۵۰۱
روابط عمومی: ۶۶۷۶۰۴۹۹ **سازمان آگهی‌ها:** ۱۸ و ۶۶۴۴۸۰۴۶۱
چاپ: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی **توزیع فرهنگی:** ۶۶۳۳۸۰۱۱-۰۲
نشانی: خیابان حافظ بعد از پل دوم حافظ رویه روی ساختمان بورس ساختمان فرهنگی تگانه طبقه سوم

فرا سو

رابین هود ایتالیایی



رابین هود را حتما می‌شناسید و بارها در کودکی درباره او فیلم، سریال و کارتون دیده‌اید، او نماد شخصیتی حق طلب بود که با ظلم و ستم و نابرابری می‌جنگید و با بخشیدن دارایی ستمکاران به مردم نیازمند سعی می‌کرد تا عدالت را در جامعه طبقاتی انگلستان ایجاد کند. حالا پس از نزدیک به ۷۰۰ سال، یک مدیر بانک در ایتالیا با رابین هود مقایسه می‌شود، چرا که به گزارش دیلی میل او نزدیک به یک میلیون یورو را از حساب‌های بانکی مشتریان تروتمند دزدیده و آنها را به مشتریان فقیر پرداخت کرده و حالا که دست او رو شده قرار است این کار او به بهای از دست دادن خانه‌اش تمام شود. در خبر آمده است که گیلبرتو باسیهرا نزدیک به هفت سال است از حساب بانکی مشتریان خود دزدیده است و بدون اینکه یک پنی آن را برای خود بردارد، آنها را به عنوان وام با کمک به حساب‌های مردمان فقیر در زادگاهش Forni di Sopra واریز کرده است. حالا دست این مدیر بانکی پس از برداشت یک میلیون یورو معادل ۸۸۶ هزار یورو رو شده است. اغلب افرادی که پول به حساب آنها واریز شده به او وعده داده بودند که مطمئن باشند پول را به او برمی‌گردانند و برخی نیز از دادن چنین قولی امتناع کرده‌اند. حکم دادگاه به این مدیر بانک سابق در این هفته برای دو سال به حالت تعلیق درآمده است. وکیل او گفته است که به منظور بازپرداخت پول دزدیده شده او خانه خود را از دست خواهد داد.

Forni di Sopra یک شهر کوچک با جمعیت حدود ۱۰۰۰ نفر است که در استان اودیون در دامنه کوه‌های آلپ در شمال شرقی ایتالیا واقع شده است. گیلبرتو باسیهرا در توضیح کار خود گفته است که این عمل را برای عدالت و اعتراض علیه نظام که بازنشستگان و جوانان را بدون منابع مالی گذاشته، انجام داده است.

تاریخ‌گردی

روز تولد دوربین فیلمبرداری



گاهی اوقات یک اختراع ممکن است ایده‌های جدید در ذهن دیگران ایجاد کند تا اختراع دیگری به ثبت برسد، کاری که توماس ادیسون با اختراع تصاویر متحرک انجام داد از همین نوع اختراع هاست. ۱۳۰ سال پیش در چنین روزی توماس ادیسون معروف از دستگاه عکس متحرک خود که نشانی داد، رونمایی کرد. اختراعی که بعدها توسط دیگران تکمیل شد و امروز به جایی رسید که با فشار دادن یک دکمه می‌توان از بسیاری وقایع فیلم گرفت. ادیسون پیش‌تر درباره این اختراع خود می‌نویسد که من روی وسیله‌ای کار می‌کنم که می‌تواند چشم‌اندازی برای این باشد که در کنار دیدن تصاویر متحرک، صدای را نیز ضبط و پخش کند. در سال ۱۸۸۹ ادیسون تیمی را برای کار روی این پروژه به ریاست ویلیام کندی لوری دیکسون انتخاب کرد. آنها یک نوار Kinetograph ساختند که یک دوربین فیلم‌بسیار اولیه بود. این نوار یک قطعه فیلم طولانی و انعطاف‌پذیر بود. برخلاف فیلم عکاسی قدیمی این نوار طوری ساخته شده بود که می‌شد آن را در اطراف یک چرخ و رول قرار داد که باعث می‌شد تصاویر سریع حرکت کنند. بعدها این اختراع توسط همین تیم گسترش یافت و فیلم‌ها کمتر از یک دهه به یک صنعت سرگرم کننده تبدیل شدند. اولین فیلم‌ها بیشتر درباره افراد مشهور، رویدادهای خبری، بلایای طبیعی نمایشگاه و مناظر ساخته شدند.

خبر روز

بدرقه اهداکننده عضو

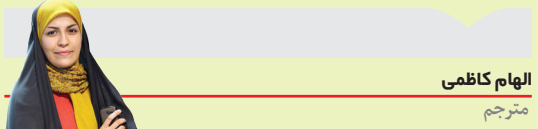
ندا فرهانی مترجم
کارمندان بیمارستان، دوستان و اعضای خانواده مرد ۵۳ ساله‌ای که با اهدای عضو خود بعد از مرگش موافقت کرده بود، با ایستادن در دو طرف راهروی بیمارستان، او را تا اتاق عمل و پیوند عضو به نشانه احترام در سکوت بدرقه کردند. این کار، حرکت ارزشمندی بود که از سوی کارمندان بیمارستان و برای همدردی با خانواده او انجام شد. همه کارمندان در طبقه چهارم بیمارستان گرد هم آمدند و مسیری انسانی را از آی‌سی‌یو تا آسانسور منتهی به اتاق عمل طی کردند. به گزارش دیلی میل، اعضای این مرد به بانک پیوند عضو Pacific Northwest اهدا شد. بیش از ۱۱۴ هزار نفر در آمریکا چشم انتظار دریافت عضو پیوندی هستند اما تنها ۰۳ درصد از افرادی که جان خود را از دست می‌دهند، راضی به پیوند عضو می‌شوند. کلیه، بیشترین عضو است که پیوند می‌شود و بعد از آن قلب، کبد و ریه‌ها در رده‌های بعد هستند.

گشونده‌های خانگی

مصروف و حتی تنفس آن می‌تواند شما را از پای در بیاورد، این مایع زمانی خطرناک‌تر می‌شود که آن را با سایر مواد پاک‌کننده مثل مایع جرم‌گیر مخلوط کنید، چرا که بلافاصله گاز سمی کلر را تولید می‌کند.

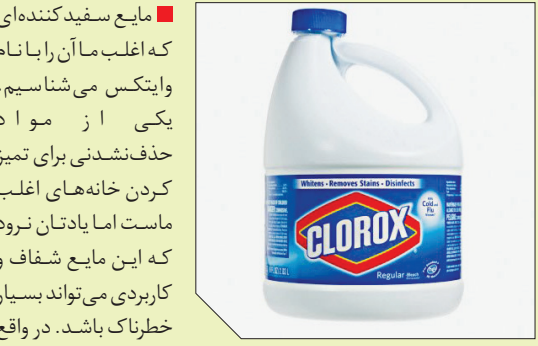
■ شاید شما هرگز به هشدار سمی بودن سازمان غذا و دارو روی تیوپ خمیر دندان توجه نکرده باشید. این هشدار به دلیل وجود فلوراید در نزدیک به ۹۵ درصد از خمیر دندان هاست. به همین دلیل است که جامعه پزشکی درباره بلعیدن خمیردندان‌های دارای فلوراید هشدار می‌دهد. این موضوع می‌تواند به‌ویژه برای کودکان خطرناک‌تر باشد، خوردن فلوراید زیاد می‌تواند در کودکان باعث مسمومیت یا حتی مرگ شود. یکی دیگر از خطرات استفاده از فلوراید بیش از حد ایجاد فلوروزیس دندان است که عارضه‌ای است که در مینای دندان به وجود می‌آید و می‌تواند واکنش شدیدی ایجاد کند.

■ در سال ۱۹۷۸ ایالات متحده آمریکا استفاده از تمام رنگ‌های حاوی سرب را ممنوع اعلام کرد. در این میان خانه‌ها و ساختمان‌هایی که قبلاً از رنگ سربی استفاده کرده بودند، خطر ایجاد مسمومیت در افراد رافراهم می‌کردند، این درحالی است که در سراسر جهان خانه‌هایی که از رنگ سربی استفاده کرده‌اند، وجود دارد که خطر آنها شناخته شده نیست. آژانس حفاظت از محیط‌زیست آمریکا گزارش می‌دهد مهم‌ترین



الهام کاظمی مترجم

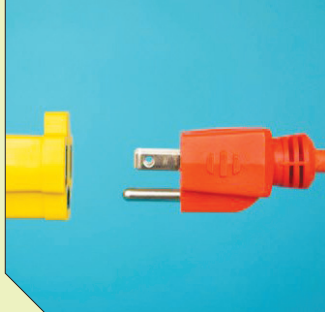
اغلب ما به خانه‌مان ایمان داریم و آن را جایی امن می‌دانیم که ما را از خطرات و آسیب‌های بسیاری دور می‌کند، با این حال اگر کمی دقت کنیم همین خانه امن می‌تواند یک مکان بسیار خطرناک برای ما و زندگیمان باشد. هر ساله افراد بی‌شماری به دلیل استفاده روزانه از برخی وسایل مجروح می‌شوند یا شاید جان خود را از دست می‌دهند. به گزارش listverse اغلب ما شاید اکثر این آیتم‌های کشنده را در خانه داشته باشیم و روزانه از آنها استفاده کنیم اما اگر به هشدارهایی که در این زمینه وجود دارد دقت کنیم، می‌توانیم جان سالم به در ببریم. در ادامه چند نمونه از این اقلام خانگی را که به طرز شگفت‌آوری می‌توانند کشنده باشند، به شما معرفی می‌کنیم.



■ مایع سفیدکننده‌ای که اغلب ما آن را با نام وایتکس می‌شناسیم، یکی از مواد هدف‌نشدنی برای تمیز کردن خانه‌های اغلب ما است اما یادتان نرود که این مایع شفاف و کاربردی می‌تواند بسیار خطرناک باشد. در واقع



خطر زمانی اتفاق می‌افتد که رنگ سرب خراب شود و تکه‌های آن روی زمین بیفتد و در این حین به دلیل تماس کودکان با آن باعث مسمومیت آنها شود. اگرچه وجود سرب به مقدار اندک مشکلی ندارد اما قرار گرفتن در معرض مقدار زیادی از آن می‌تواند کشنده باشد. به صراحت به شما توصیه می‌کنیم از به کار بردن هر رنگی که پایه سربی دارد، اجتناب کنید.



■ درحالی که سیم‌های رابط در همه خانه‌ها به عنوان ابزاری برای انتقال انرژی برق مورد استفاده قرار می‌گیرد اما گاه استفاده از همین کابل‌های مفید می‌تواند به قیمت جان صاحبخانه تمام شود. این کابل‌ها بسیار قابل اشتعال هستند. آمارها می‌گویند سالانه سه هزار و ۳۰۰ آتش‌سوزی منزل در آمریکا به دلیل سیم‌های رابط اتفاق می‌افتد که حدود ۵۰ کشته و نزدیک به ۲۷۰ زخمی بر جای می‌گذارد. علاوه بر این سالانه چهار هزار نفر با عارضه مرتبط با این کابل‌ها به اورژانس مراجعه می‌کنند.